



١٢٩٦



دانشگاه رازی

دانشکده ادبیات

گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات عرب

### عنوان پایان نامه

بررسی و تطبیق تحلیلی اشعار رکن‌الدین دعویدار قمی شاعر ذواللسانین  
(دهه‌ی پایانی قرن شش و آغازین قرن هفت)

استاد راهنما

دکتر تورج زینی‌وند

استاد مشاور

دکتر وحید سبزیان‌پور

نگارش:

لیلا قلندرلکی سلطانی

۱۳۸۸ / ۴ / ۲۲

از انتشارات بزرگ سمنان  
شمسه مدرک

زمستان ۱۳۸۷

۱۲۶۴۲۳

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و  
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده ادبیات

گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات عرب گرایش محض

نام دانشجو

لیلا قلندرلکی سلطانی

تحت عنوان

بررسی و تطبیق تحلیلی اشعار رکن‌الدین دعویدار قمی شاعر ذواللسانین

(دهه‌ی پایانی قرن شش و آغازین قرن هفت)

۱۳۸۸ / ۴ / ۲۲

در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه خوب به تصویب نهایی رسید.

امضاء  
امضاء  
امضاء  
امضاء  
سید

با مرتبه‌ی علمی استادیار

با مرتبه‌ی علمی دانشیار

با مرتبه‌ی علمی استادیار

با مرتبه‌ی علمی استادیار

دکتر تورج زینی‌وند

دکتر وحید سبزیان‌پور

دکتر وحید مبارک

دکتر مرتضی قائمی

استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داور داخل گروه

استاد داور خارج از گروه

## تشکر و قدردانی

سپاس بیکران بر خداوند منان که نعمت خویش را با اعطای اسلام ولایت مدار، بر مردمان تمام کرد و با درود فراوان بر ختم المرسلین، محمد مصطفی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و ائمه هدی (عَلَيْهِمُ السَّلَام) و صالحان و شهیدان و دانشمندان، که همواره زندگی و مرگ آنان، اندیشه و کردار را بارور کرده است.

بدینوسیله از حسن درایت و عنایات مشفقانه‌ی اساتید بزرگوار و مؤمن دانشگاه رازی، گروه زبان و ادبیات عرب آقای دکتر همتی، آقای دکتر امیری، آقای دکتر سلیمی، استاد ارجمند قمری و آقای دکتر معروف و اساتید محترم گروه فارسی به ویژه آقای دکتر مبارک که در پیشبرد و بهبود پایان نامه، این بنده‌ی حقیر را یاریگر بودند، نهایت تشکر و امتنان را دارم.

بر خود لازم می‌دانم تشکر خالصانه‌ی خویش را از مساعدت و رهنمون‌های استاد مشفق و متدین و اندیشمند، جناب آقای دکتر زینی‌وند ابراز دارم که نگارش این پایان‌نامه جز با همراهی و راهنمایی سازنده‌ی ایشان، ممکن نبود و همچنین از نقطه‌نظرات ارزنده‌ی استاد اندیشمند، جناب آقای دکتر سبزیان‌پور که در سمت مشاورت این پایان‌نامه، از محضرشان کسب فیض کردم، سپاسگزاری نمایم.

از داوران محترم، برادران گرامی آقای دکتر مبارک و جناب آقای دکتر قائمی که قبول قضاوت این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند، و آقای دکتر حسرتی، نماینده‌ی تحصیلات تکمیلی قدردانی می‌نمایم.

همچنین به پاس زحمات بی‌شائبه‌ی پدر و مادر عزیز و دلسوز و مهربانم، از ایشان سپاسگزارم. در پایان از تمام شخصیت‌هایی که مرا در طی طریق علم و دین، رهنمون بوده‌اند، از صمیم قلب سپاسگزارم و از خداوند منان، برای آن بزرگواران، توفیقات و عنایات واسعه‌ی حضرت باری تعالی را خواستارم.

من الله التوفیق

لیلا قلندرلکی سلطانی

## تقدیم به

محضر مقدس چهارده گل یاس نبوی (علیه السلام) که  
جهان از رایحه‌ی شمیم دل‌انگیز ایمان بی‌بدیل و  
برکات نامتناهی آنان، عطرآگین است  
و کسانی که توان و فکر خویش را در راستای  
اعتلاء و اشاعه‌ی فرهنگ عالیّه‌ی اسلام ناب  
محمدی (صلی الله علیه و آله) و استقلال و سازندگی ایران همیشه  
سرفراز، به کار می‌گیرند.

## چکیده

رکن‌الدین دعوی‌دار قمی، یکی از شاعران دهه‌های پایانی سده‌ی ششم و آغازین قرن هفتم هجری می‌باشد. وی در بیشتر سروده‌هایش، تحت تأثیر فرهنگ و شعر عربی قرار گرفته است. دیوان وی، آکنده از قصیده‌های فارسی و عربی است. این شاعر ذواللسانین، چنان در سرودن اشعار عربی تواناست که بخش بزرگی از دیوانش را به قصیده‌های عربی، اختصاص داده است. از ویژگی‌های بارز شعری او، جنبه‌ی تقلید است تا آنجا که وی قصیده‌های عربی و فارسی را به سبک پیشگامان شعر عرب و فارس، به نیکویی سروده است. این تقلیدها که به شکل گسترده‌ای در دیوان وی نمود پیدا کرده، سبب گشته است که شعر وی از نوآوری و ابتکار تا حدود بسیار زیادی، بی‌بهره بماند.

کلید واژه: رکن‌الدین دعوی‌دار قمی، ذواللسانین، شعر عربی

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	
پیشگفتار	۲
۱- ادیبان ذواللسانین	۹
۲- اولین سخنور ذواللسانین	۱۰
۳- دسته بندی ادیبان ذواللسانین	۱۰
۴- ادیبان ذواللسانین در عصر سلجوقیان (عصر شاعر)	۱۲

### کلیات تحقیق

۱) تعریف موضوع	۱۴
۲) فرضیه	۱۵
۳) پیشینه‌ی موضوع	۱۵
۴) روش تحقیق	۱۶
۵) اهداف پایان‌نامه	۱۷
۶) اهمیت، ارزش و کاربرد نتایج پایان‌نامه	۱۷

### فصل اول: جایگاه شعری رکن‌الدین دعویدار قمی

پیشگفتار	۱۹
۱- ۱- محل، روزگار، تولد و وفات	۲۰
۱- ۲- تخلص و لقب شعری	۲۰
۱- ۳- معاصران و پیوند ادبی رکن‌الدین با دیگر شاعران	۲۱
۱- ۴- آثار	۲۲
۱- ۵- دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی شعر و ارزش ادبی دیوان او	۲۳
۱- ۶- ممدوحان	۲۴
۱- ۷- انگیزه‌ی ستایش	۲۶
۱- ۸- سبک سخن و ویژگی‌های شعر شاعر	۲۷
۱- ۹- نثر رکن‌الدین دعویدار قمی	۲۹



## فصل دوم: بررسی و تطبیق تحلیلی اغراض شعری رکن‌الدین

پیشگفتار.....	۳۱
۱-۲- مدح.....	۳۲
۱-۱-۲- سیما و سیرت ممدوح.....	۳۲
۱-۲-۲- قدرت.....	۳۳
۱-۲-۳- دین و عقیده.....	۳۳
۱-۲-۴- مجد و بزرگی.....	۳۴
۱-۲-۵- عدالت.....	۳۵
۱-۲-۶- عزم و اراده.....	۳۶
۱-۲-۷- بخشش و سخاوت.....	۳۷
۱-۲-۸- یاری رساندن دین.....	۳۸
۱-۲-۹- یاری رساندن دردمندان.....	۳۹
۱-۲-۱۰- شجاعت و دلاوری.....	۳۹
۱-۲-۱۱- همت و اراده.....	۴۱
۱-۲-۱۲- اصالت و نجابت ممدوح.....	۴۱
۱-۲-۱۳- فضیلت‌ها و مکارم اخلاقی ممدوح.....	۴۲
۲-۲- غزل.....	۴۳
۱-۲-۲- توصیف اعضای بدن معشوق.....	۴۳
۱-۲-۱- صورت و گیسوان معشوق.....	۴۳
۲-۱-۲- سحر انگیزی نگاه معشوق.....	۴۵
۲-۱-۳- دهان و دندان معشوق.....	۴۶
۲-۱-۴- چشمان معشوق.....	۴۶
۲-۱-۵- زیور و زینت‌های معشوق.....	۴۷
۲-۱-۶- عشق و مرگ و زندگی.....	۴۷
۲-۱-۷- سوز و گداز عشق.....	۴۸

۴۹.....	۲-۲-۱-۸- عشق و انتظار.....
۵۰.....	۲-۲-۱-۹- فراق محبوب.....
۵۰.....	۲-۲-۱-۱۰- طیف و خیال.....
۵۱.....	۲-۳- خمر.....
۵۱.....	۲-۳-۱- پیاله و شراب.....
۵۲.....	۲-۳-۲- ساقی و طلب شراب.....
۵۳.....	۲-۴- وصف.....
۵۳.....	۲-۴-۱- وصف صبح.....
۵۳.....	۲-۵- فخر.....
۵۵.....	۲-۶- رثا.....
۵۶.....	۲-۷- هجا.....
۵۷.....	۲-۸- حکمت.....
۵۷.....	۲-۱-۱- حکمت‌های قرآنی.....
۵۸.....	۲-۸-۱-۱- حمد و ستایش پروردگار.....
۵۸.....	۲-۸-۱-۲- نکوهش تجسس و عیب جویی.....
۵۹.....	۲-۸-۱-۳- خداشناسی.....
۵۹.....	۲-۸-۲- امثال و حکم عربی.....
۶۳.....	نتیجه.....

### فصل سوم: بررسی و تطبیق تحلیلی اغراض شعری رکن‌الدین

۶۵.....	پیشگفتار.....
۶۶.....	مضامین شعری رکن‌الدین.....
۶۶.....	۳-۱- مفاهیم اخلاقی.....
۶۶.....	۳-۱-۱- حفظ عزت نفس.....
۶۷.....	۳-۱-۲- پاکدامنی و شرافت.....
۶۷.....	۳-۱-۳- نام نیک.....

۶۷.....	۳-۱-۴- شکیبایی و بردباری
۶۸.....	۳-۱-۵- احسان و سپاسگزاری
۷۰.....	۳-۲- عشق عذری و عقیفانه
۷۱.....	۳-۳- یاد ایام گذشته
۷۲.....	۳-۴- پیری و لهو و لعب
۷۲.....	۳-۵- نکوهش
۷۳.....	۳-۵-۱- نکوهش دنیا
۷۳.....	۳-۵-۲- نکوهش ملامتگران
۷۴.....	۳-۵-۳- نکوهش حاسدان
۷۴.....	۳-۶- شکایت از زمانه و روزگار سفله پرور (شکوائیه)
۷۷.....	۳-۷- وفاداری و پایبندی
۸۰.....	نتیجه

### فصل چهارم: بررسی و تطبیق تحلیلی اسلوب شعر رکن‌الدین

۸۳.....	پیشگفتار
۸۴.....	۴-۱- چهار چوب قصیده (عمود شغری)
۸۴.....	۴-۱-۱- شروع قصاید
۸۴.....	۴-۱-۱-۱- شروع قصاید با تشبیب (نسیب)
۸۶.....	۴-۱-۱-۲- وقوف بر اطلال و دمن
۸۹.....	۴-۱-۱-۳- حسن مطلع (براعت استهلال یا حسن استعلاء)
۸۹.....	۴-۱-۲- جمع بین غزل و مدح (حسن تخلص یا حسن مخلص)
۹۰.....	۴-۱-۳- حسن ختام
۹۱.....	۴-۲- تخلص
۹۱.....	۴-۳- تقلید و نوآوری
۹۳.....	۴-۴- تفسیر معانی
۹۴.....	۴-۵- ذکر اسم‌های علم عربی

- ۹۴..... ۴-۵-۱- ذکر سرزمین‌های عرب
- ۹۵..... ۴-۵-۲- شخصیت‌های مشهور عرب
- ۹۶..... ۴-۵-۳- ایام عرب
- ۹۶..... ۴-۵-۴- قبیله‌های عرب
- ۹۷..... ۴-۵-۵- درختان سرزمین‌های عربی
- ۹۷..... ۴-۶- اسلوب رمزی
- ۹۸..... ۴-۷- اسطوره در شعر رکن‌الدین
- ۹۸..... ۴-۸- رکن‌الدین و روانشناختی پدیده‌ها
- ۹۹..... ۴-۹- کاربرد اصطلاحات خاص فرهنگ عربی
- ۱۰۰..... ۴-۱۰- کاربرد واژگان و ترکیب‌های عربی در شعر فارسی
- ۱۰۰..... ۴-۱۱- اسلوب ملمع
- ۱۰۱..... ۴-۱۲- کاربرد واژگان غریب، دشوار و نامأنوس
- ۱۰۲..... ۴-۱۳- اقتباس
- ۱۰۲..... ۴-۱۳-۱- اقتباس لفظی از شعر عرب
- ۱۰۲..... ۴-۱۳-۲- اقتباس لفظی و معنایی
- ۱۰۴..... ۴-۱۳-۳- تضمین یا اقتباس کامل
- ۱۰۵..... ۴-۱۳-۴- اقتباس از قرآن کریم
- ۱۰۶..... ۴-۱۴- تلمیح
- ۱۰۹..... ۴-۱۵- صنعت استقبال یا معارضه با دیگر شاعران و ادیبان (هماوردی با اشعار دیگران)
- ۱۱۳..... ۴-۱۶- بکارگیری اسالیب معانی (استفهام، قسم، جمع مکسر، ندا، مناظره)
- ۱۱۳..... ۴-۱۶-۱- اسلوب استفهام
- ۱۱۳..... ۴-۱۶-۲- بهره‌گیری از اسلوب قسم
- ۱۱۴..... ۴-۱۶-۳- استفاده فراوان از جمع مکسر
- ۱۱۴..... ۴-۱۶-۴- بهره‌گیری از اسلوب ندا
- ۱۱۵..... ۴-۱۶-۵- اهتمام به موسیقی لفظی و معنوی
- ۱۱۵..... ۴-۱۶-۶- بهره‌گیری از اسلوب گفتگو (مناظره)

۱۱۵.....	۴-۲۱- کاربرد اصطلاحات علم منطق
۱۱۵.....	۴-۲۲- اصطلاحات شطرنج و نرد
۱۱۶.....	۴-۲۲-۱- اصطلاحات بازی شطرنج
۱۱۶.....	۴-۲۲-۲- اصطلاحات بازی نرد
۱۱۷.....	۴-۲۳- دیگر اسلوب‌ها
۱۱۷.....	۴-۲۳-۱- کیف... و...
۱۱۷.....	۴-۲۳-۲- مَا أَنَسَ لَا أَنَسَ...
۱۱۸.....	۴-۲۳-۳- فِي شُغْلٍ عَنِ شَاغِلٍ
۱۱۸.....	۴-۲۳-۴- شاذ بودن اتصال ضمیر به حرف جر
۱۱۹.....	۴-۲۳-۵- سَقِيًّا ل...
۱۲۰.....	سرقت ادبی یا انتحال؟
۱۲۶.....	نتیجه

### فصل پنجم: بررسی و تطبیق تحلیلی صور خیال و آرایه‌های بدیعی رکن‌الدین

۱۲۸.....	پیشگفتار
۱۲۹.....	۵-۱- بیان
۱۲۹.....	۵-۱-۱- مجاز
۱۲۹.....	۵-۱-۲- تشبیه
۱۳۰.....	۵-۱-۲-۱- تشبیه غیر تمثیلی یا مفرد
۱۳۱.....	۵-۱-۲-۲- تشبیه ضمنی
۱۳۲.....	۵-۱-۲-۳- تشبیه تفضیل
۱۳۳.....	۵-۱-۳- استعاره
۱۳۴.....	۵-۱-۴- کنایه
۱۳۵.....	۵-۲- بدیع
۱۳۵.....	۵-۲-۱- تضاد
۱۳۵.....	۵-۲-۲- مبالغه

۱۳۷	۵-۲-۳- التزام مالایلم
۱۳۸	۵-۲-۴- حسن تعلیل
۱۳۹	نتیجه
<b>فصل ششم: تجلی قرآن و حدیث در شعر رکن‌الدین</b>	
۱۴۲	پیشگفتار
۱۴۳	۶-۱- قرآن
۱۴۳	۶-۱-۱- اقتباس لفظی
۱۴۳	۶-۱-۱-۱- اقتباس کامل یا درج
۱۴۴	۶-۱-۱-۲- اقتباس شبه کامل یا حل
۱۴۶	۶-۱-۲- اقتباس معنایی
۱۵۲	۶-۱-۳- اقتباس واژگانی
۱۶۳	۶-۱-۴- ذکر اسم‌های علم قرآنی
۱۶۳	۶-۱-۴-۱- ذکر نام‌های قیامت
۱۶۴	۶-۱-۴-۲- ذکر نام‌های بهشت
۱۶۴	۶-۱-۴-۳- ذکر نام سوره‌های قرآن
۱۶۵	۶-۱-۴-۴- ذکر نام‌های خداوند
۱۶۵	۶-۱-۵- تلمیح
۱۶۸	۶-۱-۶- اقتباس از دیگر اسلوب‌های قرآن
۱۶۸	۶-۱-۶-۱- اسلوب دعا
۱۶۹	۶-۱-۶-۲- اسلوب ردع و انکار
۱۷۰	نتیجه
۱۷۱	نتیجه کلی
۱۷۳	الملخص
۱۷۴	منابع و مآخذ

مقدمه

## پیشگفتار

با آنکه ویژگی‌های شعر فارسی آن اندازه هست که آن را در تمام دوران گذشته‌اش، همه جا، جلوه‌ای از هویت ملی ایرانیان نشان دهد، ولی پیوند با ادب عربی نیز، یک ویژگی دیگر آن به شمار می‌آید که رویکرد اسلامی آن، ضرورت توجه به آن را بیشتر می‌کند.

پرداختن به پیوندهای زبان عربی و فارسی، نیازمند بحثی گسترده است. که شرح آن در این پیشگفتار نمی‌گنجد. از اینرو پردازش آن به صورت خلاصه و با تأکید بر دوره‌ی زمانی شاعر مورد بحث، می‌باشد.

پیوندهای شعر فارسی و شعر عربی به زمان‌های پیش از اسلام برمی‌گردد که پس از پیدایش اسلام، عمیق‌تر و گسترده‌تر شد؛ تا آنجا که شاعران فارس در قالب‌های بیانی و اغراض معانی، بیشتر، شیوه‌ی شعر عرب را سرمشق قرار دادند. و پیوند با شعر عربی برای آن اجتناب ناپذیر بوده؛ زیرا شاعران فارسی زبان در دستگاه امیری که ممدوح آنان بود، با همان رسمی که شاعر عرب در دستگاه خلیفه و امیران پذیره می‌شدند، مواجه بودند، و برخلاف دوران پیش از اسلام که «اعشی» (؟- ۷ هـ ق) و شعرش نزد «کسری» با نظر تکریم، پذیرفته نمی‌شد. در دوره‌ی پس از اسلام، ابوتمام (۱۸۸-۲۳۱ هـ ق)، و متنبی (۳۰۳-۳۵۴ هـ ق) در درگاه امیران آل‌طاهر و آل‌بویه به همان چشمی نگریسته می‌شدند که در بغداد و شام نزد امیران و خلفاء به آنها نظر می‌شد. آنان شاعران دربار خویش را به بررسی آثار شاعران عرب، تشویق نموده و علاقه‌مند کردند. تأثیر اندیشه‌ها و مضمون‌های شعری ابوتمام و متنبی در شعر امثال فرخی (۳۶۹-۴۲۹ هـ ق) و وجود شاعران ذواللسانین نظیر سراج‌الدین قمری (۵۸۰-۶۲۹ هـ ق) و دیگرعربی‌سرایان نام‌آور، نشان دهنده‌ی اهمیت و رواج شعر عربی است. حتی در دوره‌ی سامانیان که نفوذ زبان عربی بر پارسی، اندک بود باز هم شاعرانی بودند که سخت به تضمین ابیات عربی در شعر خود، رغبت نشان می‌دادند؛ بطوریکه «ثعالبی» (۳۵۰-۴۲۹ هـ ق) در «یتیمه‌الدهر» از ۱۱۹ شاعر عربی زبان در زمان سامانیان در خراسان و ماوراءالنهر و در تمه‌ی «الیتیمه» از گروه دیگری سخن می‌گوید (زرین کوب، ۱۳۷۵ هـ ش: ۵۳۱ با اندکی دخل و تصرف).

از زمان ظهور دولت سلجوقیان در خراسان و عراق، در نظم تفاوت‌هایی روشن پیدا آمد. اصطلاحات علمی در شعر داخل شد. برخی از لغات عربی که در شعر قدیم، ممنوع بود، در شعر عهد سلجوقی در آمدند. کنایه، استعاره، ایهام، لغز، معما و اغراق‌های بسیار در شعر فراوان شد. مضمون‌بندی به حکم امتداد دوره‌های



شاعری، مشکل شده و ناچار دست به مضامین باریک و خیال پروری زده و شعر از سادگی و حالت طبیعی خود خارج شد. خضوع و خشوع در نزد ممدوح و معشوق شدت گرفت. ترکیب لغات و ساختن جملات کوتاه مرکب و بافتن دو یا سه کلمه برای ادای یک معنی در شعر (ایجاز)، معمول شد و به همین سبب، غزل‌ها لطیف‌تر و قصاید، مصنوعتر شد (فقیهی، ۱۳۷۳ ه.ش: ۷-۶ با تلخیص).

بطور کلی شاعران قرن ششم و هفتم هجری به عمد و با دقت فراوان می‌کوشیدند تا در تمام زمینه‌های شعری از رباعیات، مثنوی، قطعه، به ویژه قصاید و غزلیات، مهارت و استادی خویش را در تضمین ابیات عربی نشان دهند و برعکس قرون‌های گذشته که تنها در موضوعات مدح، رثا و زمینه‌های عرفانی از شعر عربی بهره می‌جستند در کلیه‌ی موضوعات شعری، جز برخی از مثنوی‌های داستانی، از ابیات عربی استفاده می‌کردند تا با استفاده از اندیشه‌های قوم عرب در شعر فارسی، بیش از گذشته بر استواری سخن خویش بیفزایند (همان: ۱۱-۷ با تلخیص).

شاعران فارسی زبان در قرن ششم و هفتم، افزون بر تضمین ابیات عربی، برای آنکه مضمون سخنان پر بارتر و درونمایه‌ی کلامشان رساتر شود، از مضامین اشعار عرب استفاده می‌کردند. و باید متذکر شد که اولین کسی که مضامین عربی را در شعر فارسی گنجانید، منوچهری دامغانی (وفات ۴۳۲ ه.ق) بود و پس از وی، امیر معزی (وفات ۵۲۰ ه.ق) راه وی را پیمود (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶ ه.ش، ۳۲۶-۳۷۴ به اختصار).

در زیر به ذکر نمونه‌هایی از تأثیرپذیری شاعران قرن ششم و هفتم، از شعر و فرهنگ عربی، اشاره می‌کنیم:

### ۱) قوافی شاعران عرب در شعر فارسی

سنایی (۴۳۷-۵۳۲ ه.ق) در بیت زیر می‌گوید: ضعف زبان فارسی، با پیراستن به کلام شاعران عرب چون «اعشی» رفع می‌شود:

دی به دل گفتم که این را چیست دارو نزد تو      گفت دل داروی این نزدیک من «منها بها»

(سنایی، بی تا: ۳۲)

به این شعر اعشی میمون بن قیس، اشاره می‌کند که در آن می‌گوید: و چه بسیار پیاله‌های شرابی را که جهت لذت و گاه از بهر معالجه (رفع غم و اندوه)، نوشیدم:

وَ كَأْسٍ شَرِبْتُ عَلَى لَذَّةٍ      وَ أُخْرَى تَدَاوَيْتُ مِنْهَا بِهَا

(اعشی، بی تا: ۲۴)

۱. تَدَاوَيْتُ: از بهر معالجه نوشیدم.

از اینها گذشته، آوردن قافیه‌ی عربی در این دوره کم نیست. چنانکه سنایی "هات" را آورده:  
به محض اینکه پیلای می را به دستان من داد و گفت بگیر و بنوش، انگار تمام خوشی‌ها و لذت‌ها را در من  
جمع کرده است:

تا که به من داد می و گفت خُذْ      اغلب انفاس مرا هَات کرد

(سنایی، بی تا: ۱۲۶)

و در بیت دیگر "یرغب" را با "المطلب" قافیه آورده:  
خواهندگان زیبایی دیدگان معشوقه، خود را به عرصه‌ی فنا می‌اندازند تا از حسن و جمال وی، بهره‌ای برند  
اما با روگردانی وی مواجه می‌شوند:

مژگانش همی از ما، قربان دل و جان خواهد

هان ایدل و هین ایجان، مَنْ يَرْغَبُ مَنْ يَرْغَبُ

بخل و ستم کلی، از درگه و از صدرش

جز این دو دگر هرچت، آن هست هُوَ الْمَطْلَبُ

(سنایی، بی تا: ۶۷)

و مولانا (۶۲۸-۶۷۲ هـ ق) "معیل" را با "پیل" قافیه آورده:  
خداوند چنان رؤف و مهربان است که روزی تمام موجودات، از پیشه تا فیل را بر عهده گرفته است:

شد عِيَالُ اللَّهِ وَ اللَّهُ الْمُعِيلُ      همچنین از پیشه‌گیری تا به پیل

(مولانا، ۵۱۳۷۱. ش: ۱۰۷)

یا قافیه‌ی شعر عربی "كُم" با "خُم"؛

از معشوقه سخن گفتن را کنار بگذارید و چشم‌هایتان را از دیدن حرام محفوظ دارید.

لؤلها بردار و پردازش ز خُم      گفت غَضُّوا عَنْ هُوَا أَبْصَارَكُمُ

(مولانا، ۵۱۳۷۱. ش: ۱۲۵)

۱. غَضُّوا: چشم پوشی کنید.

مصراع دوم به این آیه‌ی شریفه، اشاره دارد:

﴿يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...﴾ (نور / ۳۰)

سعدی (۶۰۶-۶۹۴ ه.ق) نیز "حمام" به معنای کبوتر و "ورد" به معنی گل را قافیه آورده است؛

سعدی بسان بلبل و کبوتر، ناله‌های سوزناک سر می‌دهد:

سَمَاعِ اَهْلِ دَلِ اَوَازِ نَالِهٖ سَعْدِیْسَتْ      چِه جَای زَمَزَمِهٖ عِنْدِلیبِ وَ سَجْعِ حَمَامِ

(سعدی، ۵۱۳۶۸ ه.ش: ۶۵۰)

همانطور که هر انسانی در هنگام چیدن گل، با تندی خارها روبرو می‌شوند. حسودان و رقیبان من،

همواره فرصت نزدیک شدن به تو را نمی‌دهند:

وَلِیْکِنْ بِا رَقِیْبَانِ چَارِه‌ای نِیْسَتْ      کِه اِیْشَانِ مِثْلِ خَارِنْدِ وَ تُو وَرْدِی

(سعدی، ۵۱۳۶۸ ه.ش: ۷۵۳)

در اشعار رکن‌الدین دعویدار قمی، قافیه‌ی عربی به تبعیت از سنت زمانه، در لابه لای اشعار وی، آشکار

است:

فَضْلٌ وَ نِیْکِ بَخْتِی مَمْدُوحِ، چُونِ عِنَایْتِ وَ رَحْمَتِ اِلهِی، جَاوَدَانِ وَ اَبْدِی اَسْت:

مَقْرَرَسَتْ کِه فِیضِ عِنَایْتِ اَزلی      مِبرَهِنِ اَسْت کِه اَقْبَالِ وَ فَضْلِ لَمْ یَزلی...

(رکن‌الدین، ۵۱۳۶۵ ه.ش: ۱۳۹)

و در دو بیت زیر، این چنین می‌آورد: لطف و محبت ممدوح همچنان در تنگناهای زندگی ما را به آینده

امیدوار می‌کند و عقل همواره آرامش و مایوس نشدن را به آدمی گوشزد می‌کند.

\* بَرِیدِ لُطْفِ هَمِی گَوِیْدَتْ کِه لَمَّا تَیْأَسُ      رَفِیْقِ عَقْلِ هَمِی گَوِیْدَتْ کِه لَمَّا تَعَجَّلُ<sup>۱</sup>

(همان: ۱۳۹)

۲) خلق موسیقی درونی با بهره جستن از کلمه‌ی عربی

سعدی از "اِیْل" برای ایجاد موسیقی درونی سود جسته است:

بَعْدِ اَز رَفْتِنِ مَعشُوقِهٖ اَز دِیَارِ مَآ، غَمِ سَرَاپَایِ وَجُودِ مَرَا فَرَا گِرْفْتِهٖ وَ اَشْکِ دِیْدِگَانِمِ هَمچِنَانِ سَرَازِیرِ می-

گَرْدَدِ تَا اَنجَا کِه خَاکِ زَمِیْنِ، اَز اَشْکِ چِشْمَانِ مَن چُونِ بَاتَلَاقی گِشْتِهٖ کِه شَتْرِ کَارَوَانِیَانِ دَر گِلِ فَرُو می-

رَوْنَدِ وَ تَابِ رَا اَز اَنانِ می‌گِیْرَد:

گَفْتَمِ بَگَرِیمِ تَا اِیْلِ، چُونِ خَرِ فَرُو مَانَدِ بِه گِلِ      اَوِیْنِ نِیْزِ نَتَوَانِمِ کِه دَلِ، بَا کَارَوَانِمِ می‌رُود<sup>۲</sup>

(سعدی، ۱۳۶۸ ه.ش: ۵۹۶)

۱. لَمَّا تَیْأَسُ: نا امید نشو. لَمَّا تَعَجَّلُ: عجله نکن

۲. اِیْل: شتر

و "حسام" به معنای شمشیر تیز در شعر رکن‌الدین دعوی‌دار قمی؛  
ممدوح (مظفرالدین اوزبک)، دارای هیبت فراوان چون شمشیر بران است که مشکلات را از پیش روی مردم بر  
می‌دارد:

این چه نعمتهاست یا رب کز "حسامت" روز بزم

بی‌توالی نو بنو زی وحش صحرا می‌رسد

(رکن‌الدین، ۱۳۶۵ ه. ش: ۱۳۰)

### ۳) اتصال ضمیر عربی با کلمه‌ی فارسی

گاه دیده می‌شود که شاعر، ضمیر عربی را با نام فارسی پیوند داده است. چنانکه اوحدی کرمانی(؟) -  
۶۳۵ ه. ق) ضمیر "هم" را با "شاه" در آمیخته است و چنین رثا می‌سراید: شادی و فرح از قلب انسان‌ها رخت  
بر بسته زیرا که شاه محبوبشان، به دیار باقی شتافته است:

جميع الناس غمگین، که شروان شاههم مرده است

وفات شاه هم‌اکنون، طرب من قلبهم برده است

(مناقب اوحیدین کرمانی به نقل از فضیلت، ۱۳۶۴-۱۳۶۵ ه. ش: ۲۰۳)

### ۴) اسلوب ملمع

در این دوره، گاه شاعر اشعار و قصایدی را به زبان عربی سروده و گاه یک بیت یا یک مصراع فارسی و  
دیگری را عربی آورده است. که به ذکر نمونه‌هایی از تأثیرپذیری شاعران برجسته‌ی فارسی زبان از شعر  
عربی دوره‌ی زمانی نزدیک به شاعر ذواللسانین اشاره می‌کنیم.  
(ملمع) نظیر غزل سعدی که با این دو بیت شروع می‌شود: همانا هوای نفس که زانو بند نفس آدمی (اراده و  
تزکیه نفس) را پاره می‌کند و مهار آن ممکن نیست آدمی را به دامن بدبختی می‌کشاند و هرگونه آرامش را از  
انسان سلب می‌کند:

لَا يَهْتَدِي وَيَعِي مَا يُقَالُ

می بردش سوی یمین و شمال

إِنَّ هَوَى النَّفْسِ يَقْدُ الْعِقَالُ

خاک من و تست که باد شمال

(سعدی، ۱۳۶۸ ه. ش: ۹۱۹)

که تا پایان یک بیت فارسی و دیگری عربی آمده است.

۱. يَقْدُ: پاره می‌کند. الْعِقَالُ: زانو بند شتر